

سنجش شاخص‌های مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۲)

حیدر شهریاری^۱

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۸

چکیده

هدف این نوشتار بررسی روند تاریخی مردم‌سالاری بعد از انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از الگوی پولیاریتی رابرت دال و سنجش شاخص‌های سه‌گانه مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی از یک‌سوی و ترکیب آن‌ها با هم با استفاده از تکنیک ترکیبی جبر بولی به منظور آزمودن سیر تاریخی نامبرده است؛ با تقسیم‌بندی تاریخ بعد از انقلاب اسلامی به چهار مقطع زمانی دوره اول (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰)، دوره دوم (۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶)، دوره سوم (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) و دوره چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲)، یافته‌های نوشتار نشان می‌دهد که میزان مردم‌سالاری جزء در دوره اول که دارای پیشینه است در دیگر دوره‌ها سیر تاریخی مردم‌سالاری دارای حرکت سینوسی (فراز و فرود)، اما با حرکتی سینوسی به سمت بالا است. علی‌رغم وجود آثار فراوانی که عمدتاً به صورت کیفی یا به بررسی جنبه‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند، این نوشتار می‌کوشد تا به صورت روشن‌مند و با رویکردی کمی و ترکیبی جنبه‌های مختلف این مهم را بررسی کند. یافته‌های این پژوهش آن است که روند تاریخی مردم‌سالاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی در حال بهبود و پیشرفت است و با تأسی از نگاه جامعه‌شناسی تاریخی احتمالاً در آینده نیز چنین خواهد بود.

واژگان کلیدی: مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، نظارت سیاسی،
فراز و فرود مردم‌سالاری

مقدمه

مردم‌سالاری شیوه‌ای حکومتی است که در آن شهروندان یک کشور با مشارکت سیاسی خود بر مبنای رقابت سیاسی آزاد و موجود به نظارت بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌های حکومت می‌پردازند. بر این اساس مردم در اداره امور جامعه، عزل و نصب حاکمان، نظارت بر حکومت، توانا و صاحب اختیار هستند و قانونی که از خلال مشارکت مردم و با فرصت‌های برابر و مبتنی بر رضایت آحاد جامعه گذرانده شده است. مبنای اصول ساختار، تصمیم‌ها و عملکرد گروه‌ها، مسئولان و نیز مردم قرار می‌گیرد. آزادی عقیده، بیان، اندیشه، مطبوعات، احزاب، رقابت سیاسی و استقلال گروه‌های سیاسی - اجتماعی بنیاد آن را شکل می‌دهد. به دیگر سخن، مردم‌سالاری؛ نظامی سیاسی - اجتماعی است که بیش از هر نظام دیگر، گوناگونی و رقابت گروه‌ها و نظارت مردم از طریق تشکیل احزاب و گروه‌های برآمده از مردم بر عملکرد حکومت را می‌پذیرد و در آن دست‌به‌دست شدن قدرت سیاسی از راه‌های مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد.

با عطف نظر به مفهوم مردم‌سالاری، به نظر می‌رسد وضعیت نظام سیاسی قبل و بعد از انقلاب باهم تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته است. در دوره قبل از انقلاب اسلامی، به جزء مقاطعی کوتاه (مثلاً از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) و (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲)، در دیگر مقاطع وجود عناصر و مؤلفه‌های مردم‌سالاری مشاهده نمی‌شده است. به‌عنوان نمونه، در یک نظرسنجی ملی در سال ۱۳۵۳ نشان می‌دهد میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلسین حدود ۳۰ درصد بوده است (اسلامی، ۱۳۵۶: ۳۸)؛ اما به نظر می‌رسد وضعیت نظام سیاسی به لحاظ بسط شاخص‌های مردم‌سالارانه پس از انقلاب اسلامی دچار تغییر و تحول گشته است. هرچند شاخص‌های مردم‌سالارانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (سطح نظری) به‌وفور موجود است همچون: مشارکت مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه‌پرسی، محدودیت دوره زمامداری، مسئولیت سیاسی زمامداران و غیره. اما حال، پرسشی که مطرح می‌شود آن است که به لحاظ عملی، روند مردم‌سالاری در نظام سیاسی بعد از انقلاب اسلامی چه تغییر و تحولاتی به خود دیده است. به‌بیان دیگر، اگرچه در قانون اساسی مراتب و روندهای قانونی و سازوکارهای مردم‌سالار آمده و پیش‌بینی شده است و نیز آنکه نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی در عمل نشان داده که میزان گسترش شاخص‌های مردم‌سالار توسعه‌یافته و

قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست حال پرسشی که مشخصاً مطرح می‌شود آن است که سنجش شاخص‌های مردم‌سالاری (با تاکید بر مشارکت، رقابت و نظارت) در دوره جمهوری اسلامی چه نتایجی در بر دارد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای که در ابتدا مطرح می‌شود و ممکن است بعد از پایان این تحقیق مورد جرح و تعدیل قرار گیرد آن است که روند مردم‌سالاری بعد از انقلاب اسلامی تاکنون دارای فراز و فرود یا قبض و بسط بوده است؛ با این توضیح که به نظر می‌رسد با تقسیم‌بندی تاریخ بعد از انقلاب اسلامی به چهار مقطع زمانی دوره اول (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰)، دوره دوم (۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶)، دوره سوم (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) و دوره چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲)، در دوره اول و سوم میزان توسعه مردم‌سالاری نسبت به دیگر دوره‌ها بیشتر بوده است. به منظور آزمون فرضیه مطرح شده از نظریه مردم‌سالاری پولیاری رابرت دال و از روش کمی برای گردآوری داده‌ها و از تکنیک تحلیل بولی برای تحلیل داده‌های بدست آمده استفاده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه یا ادبیات پژوهش اولین نکته قابل ملاحظه آن است که هیچ‌گونه تحقیق یا پژوهشی که روند قبض و بسط یا فراز و فرود مردم‌سالاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی را به صورت کمی مورد بررسی و مذاقه قرار دهد وجود ندارد؛ علی‌رغم اهمیت موضوع، اندک مطالعاتی که در این حوزه انجام گرفته عمدتاً حاوی موضوعات و مسائل تجویزی است و یا هم اگر حاوی مسائل عینی و واقعی است عمدتاً در چارچوب رویکردهای کیفی بوده و جنبه‌هایی از مسئله مردم‌سالاری را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که ارتباط بیشتری با موضوع این نوشتار دارند به صورت مختصر پرداخته شده است.

محمد رضا مجیدی و حدیث اقبال (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی نظام‌سازی ایران پس از انقلاب اسلامی؛ ارزیابی مردم‌سالاری دینی ایران» با رویکرد نهادی-تاریخی در تلاش بوده‌اند تا دو رویکرد مردم‌سالاری، یعنی مردم‌سالاری مشروطه که مربوط به حوزه «تقنینی» حکومت بوده و مردم‌سالاری دینی که مربوط به حوزه «تقنینی و تصمیم‌گیری» بوده است را در تاریخ سیاسی معاصر ایران مورد بررسی قرار دهند. مسئله کانونی مقاله فوق عمدتاً بر روی

مردم‌سالاری دینی ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده که نویسندگان مزبور تلاش داشته‌اند تا فضای متکثر بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۳ را در قالب فضای رقابت سیاسی از سوی جریان‌های سیاسی و مشارکت سیاسی آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. مهم‌ترین دستاورد پژوهش فوق نشان دادن مشارکت سیاسی مردم و جریان‌های سیاسی از یک‌سوی و وجود رقابت سیاسی میان جریان‌های فوق است.

هزارجریبی و کیشی پورریک (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحول گفتمان‌های دموکراسی خواهی پس از انقلاب اسلامی در ایران» با بررسی مقاطع زمانی مختلف پس از انقلاب اسلامی و با روش تحلیل گفتمان فرازوفرود گفتمان‌های دموکراسی خواهی را به تصویر کشیده‌اند؛ با این توضیح که در دوره اول، به حاشیه راندن گفتمان‌های سکولار به عنوان اغیار گفتمانی، در دوره دوم، تداوم گفتمان انقلاب با حفظ وحدت نیروها بدون پذیرش اختلافات گفتمانی، در دوره سوم تحول گفتمان راست سنتی به راست مدرن تحول، در دوره چهارم تحول گفتمانی چپ سنتی به گفتمان چپ مدرن-اصلاح‌طلبی- و در دوره پنجم با بازتعریف و بازسازی گفتمان راست مدرن و تلفیق مفاهیم دموکراسی مدرنیته با مذهب در فضای سیاسی بعد از انقلاب اسلامی روبرو هستیم.

حمیدرضا جلالی پور (۱۳۸۷) در مقاله «تبیین از دریچه نتایج انقلاب: چرا جامعه ایران همچنان آستن مردم‌سالاری است؟» با رویکرد عقلانی و با طرح این پرسش که انقلاب اسلامی که از ابتدا ندای توسعه مردم‌سالاری را سر می‌داد چه دستاوردهای مهمی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته است بدین پاسخ رسیده است که انقلاب مزبور در این حوزه‌ها دستاورد مهمی نداشته و به اهداف اصلی خود که همانا توسعه مردم‌سالاری بوده نرسیده است. البته وی مقطع زمانی روی کار آمدن دولت اصلاحات را نشانگر عطش جامعه به سوی مردم‌سالاری می‌داند اما مشکلات ساختار سیاسی، موانعی را بر سر راه جامعه ایجاد کرده است. نویسنده مزبور در نهایت با نگاهی خوش‌بینانه بدین نتیجه می‌رسد که علی‌رغم وجود موانع سیاسی بر سر راه توسعه مردم‌سالاری، توسعه روند مردم‌سالاری در آینده ادامه پیدا خواهد کرد.

پایان‌نامه عمار ترکمانی (۱۳۹۰)، تحت عنوان «بررسی شاخص‌های دموکراسی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران»؛ در تلاش بوده تا با نگاهی تجویزی به شاخص‌های دموکراسی

در قانون اساسی و مشارکت سیاسی مردم در نظام جمهوری اسلامی در سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه را به تصویر بکشد؛ منظور نویسنده از واژه مطلوب در عنوان کار تحقیقی خود همانا نقش مقبولیت و نه مشروعیت مردم در نظام جمهوری اسلامی است؛ بدین صورت که از نظر قانون اساسی، مردم با مشارکت سیاسی خود در حوزه‌های یادشده به حفظ و تداوم نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی رضایت می‌دهند و آن را مورد تایید قرار می‌دهند.

چارچوب نظری

پیشینه تاریخی نظریه کثرت‌گرا یا پولیاریشی به مقالاتی که جیمز مدیسون (۱۸۳۶ - ۱۷۱۵ م) در باب دفاع از قانون اساسی آمریکا می‌نوشت برمی‌گردد. در آن مقالات که بعدها با عنوان فدرالیست شهرت یافت، مدیسون تأکید می‌کرد که «جامعه مرکب از بسیاری طبقات و گروه‌های اجتماعی است؛ بنابراین نظام سیاسی باید به گونه‌ای باشد که در آن امکان رقابت گروه‌ها و اقلیت‌های متعدد وجود داشته باشد و بدین طریق کثرت منافع و گروه‌ها از تشکیل اکثریتی متحد علیه اقلیت‌ها جلوگیری خواهد نمود» (به نقل از بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۵). دیوید ترومن نیز از جمله افرادی بوده است که به شیوه پولیاریشی گروه‌های مختلف اعم از احزاب و گروه‌های ذی‌نفع و رقابت آن‌ها در عرصه سیاست اشاره دارد. اما «اصطلاح پولیاریشی بالأخص پس از چاپ کتاب سیاست، اقتصاد و رفاه اثر رابرت دال و چارلز لیندبلوم در سال ۱۹۵۹ کاربرد عام‌تری در میان دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان یافت؛ دال در نوشته‌های خود طی چهل سال بعد به پالودن این مفهوم ادامه داد و کار او در کتاب «دموکراسی و منتقدان آن» (۱۹۸۹) به اوج خود رسید و در توجیه آن، تصویر کاملی از فرایند دموکراتیک و از پولیاریشی به‌عنوان نزدیک‌ترین صورت ممکن دموکراسی در جوامع بزرگ به دست داد» (لیست، ۱۳۸۳: ۴۵۲-۴۵۳)؛ وی در یکی از آثار اولیه‌اش یعنی «چه کسانی حکومت می‌کنند؟» (Dahl, 1965: 133). در پی نشان دادن حوزه‌های قدرت گروه‌های مختلف در شهر نیویورک در آمریکا برمی‌آید. پرسش اصلی وی این بود که «آیا همه تصمیمات به‌وسیله یک گروه گرفته می‌شود یا نه؟». نتیجه‌ای که دال از این بحث می‌گیرد این است که در رابطه با روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی در شهر نامبرده ائتلافات چندگانه‌ای از گروه‌های قدرت حول شهردار مشاهده می‌شوند؛ بنابراین قدرت سیاسی در میان گروه‌های

مختلف پراکنده است که دارای منافع یا علایق مختلف و یا متعارضی هستند (بشیریه، ۱۳۸۶: ۶۴). دال در کتاب دیگری به نام «دییچه‌ای بر نظریه دموکراسی» (۱۹۵۶) استدلال می‌کند که «نظام دموکراسی، مابین حکومت یک الیت واحد از یک‌سو و آرمان تحقق حکومت اکثریت مردم از سوی دیگر قرار دارد و به این معنی چیزی جز وضعیت «پولیاریشی» نیست که در آن رقابت آشکار و آزاد گروه‌های سیاسی برای جلب حمایت نیروهای مختلف اجتماعی دارد» (توحید فام، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

دال همچنین برای شکل‌گیری و تسهیل پولیاریشی در فضای سیاسی، مهیا کردن یا شدن زمینه‌ها و بسترهایی را در سطح اجتماعی مطرح می‌کند: ۱- اعتقادات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک؛ ب- فقدان تکثر و تضاد در میان خرده‌فرهنگ‌ها؛ ۳- وجود اقتصاد مبتنی بر بازار؛ ۴- فقدان هرگونه کنترل خارجی ضد دموکراتیک و ۵) کنترل نیروهای نظامی و انتظامی توسط مقامات (دال، ۱۳۸۹: ۱۸۴). همچنین وی یکی از عوامل پدید آمدن چنین زمینه‌هایی در جهان غرب را گسترش طبقه متوسط می‌داند. دال در تعریف و ویژگی‌های مردم‌سالاری نیز موارد پنج‌گانه‌ای را مطرح می‌نماید: ۱- مشارکت واقعی (برای انتخاب نمایندگان منتخب و انجمن‌های خودمختار)؛ ۲- رأی برابر (برای انتخابات آزاد، منصفانه و مکرر)؛ ۳- به دست آوردن درک روشن (برای آزادی بیان)؛ ۴- اعمال کنترل نهایی بر دستور کار (نظارت از طریق اطلاع‌رسانی بدیل)؛ - ادغام بزرگ‌سالان (برای ادغام کامل) (دال، ۱۳۸۹: ۴۸). به‌طور کلی می‌توان موارد پنج‌گانه دال را در سه مقوله مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی خلاصه نمود. حال با در نظر گرفتن سه شاخص مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی به‌عنوان شاخص‌های مردم‌سالاری رابرت دال، روند مردم‌سالاری در ایران بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما قبل از ادامه بحث، ذکر دو نکته مهم به نظر می‌رسد: اول آن‌که، یکی از دلایل مهم انتخاب شاخص‌های سه‌گانه فوق در میان شاخص‌های دیگر مردم‌سالاری از سوی نظریه‌پردازان دیگر، به منظور بررسی روند مردم‌سالاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی آن است که رابرت دال از یک‌سوی، نگاهی عملی تو نه فلسفی به مردم‌سالاری دارد و از سوی دیگر، بررسی چنین شاخص‌هایی به لحاظ کمی نیز امکان‌پذیرتر است. وی بر این اعتقاد است که مردم‌سالاری با شاخص‌های فوق، برای هر فرهنگ، قومیت و انجمنی قابل بررسی است و میزان مردم‌سالاری بودن یک نظام سیاسی را

می‌توان در عمل، فارغ از زمینه‌های اجتماعی آن، مورد بررسی قرار داد (دال، ۱۳۸۹: ۵۷-۷۸). نکته دیگر آن است که در ایران بعد از انقلاب اسلامی، به دلیل عدم حضور برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی - به دلایلی که بعداً در این نوشتار بدان اشاره می‌شود - هرچند سنجش شاخص‌های سه‌گانه فوق دشوار به نظر می‌رسد اما تلاش نگارنده بر آن است تا در حد امکان این مهم را در دو سطح اولیه، یعنی سنجش شاخص‌ها فوق به صورت جداگانه و در سطح ثانویه، یعنی ترکیب آن‌ها با استفاده از تکنیک ترکیبی بولی به انجام برساند.

روش تحقیق

این نوشتار به لحاظ روشی با دو سطح تحلیل سروکار دارد. ابتدا سیر روند هر یک از متغیرهای سه‌گانه مشارکت، رقابت و نظارت سیاسی بعد از انقلاب اسلامی به صورت جداگانه به صورت کمی - توصیفی اندازه‌گیری می‌شود آنگاه به منظور ترکیب متغیرهای فوق، از تکنیک تحلیل بولی استفاده خواهد شد. توضیح مبسوط‌تر روش تحقیق به قرار ذیل است:

روش کمی - توصیفی (از نوع طولی) برای سنجش هر یک از متغیرها: به طور کلی روش کمی «معمولاً با کدگذاری داده‌های دیگری ایجاد می‌شوند که از طریق برکندن آن‌ها از متن و خالی کردن آن‌ها از محتوا به یک عدد فرد کاسته می‌شوند. بعداً پس از دست‌کاری اعداد، آن‌ها مورد تفسیر قرار می‌گیرند، یعنی با افزودن محتوا و قرار دادن آن‌ها در متن بسط می‌یابند و فرد را قادر می‌سازند از دریچه نشانه‌های عددی دوباره به دنیای اجتماعی بازنگرد» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۱۶). مطالعات کمی - توصیفی نیز خود به دو سطح طولی و مقطعی تقسیم می‌شود که مطالعات طولی نیز خود بر سه نوع است: روند پژوهی که داده‌های مربوط به افراد مختلف را در فواصل زمانی مقایسه می‌کند؛ مطالعه نسلی که داده‌های مربوط به افراد هم سن و سال را با گذشت زمان و در فواصل زمانی مقایسه می‌کند و مطالعه پانل که افراد معینی را در طول زمان بررسی می‌کند. آنچه در این پژوهش به منظور بررسی کمی متغیرهای سه‌گانه فوق استفاده خواهد شد توصیف روند یا سیر تغییرات متغیرها (روند پژوهی) در طول زمان بعد از انقلاب اسلامی - به صورت سنجش میزان تغییرات شاخص‌های فوق به لحاظ درصد فراوانی و پراکندگی درصدی - خواهد بود. در خصوص مشارکت سیاسی در این پژوهش روند افزایش

یا کاهش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی پس از انقلاب تاکنون مدنظر قرار خواهند گرفت. در خصوص رقابت سیاسی نیز، تعدد گروه‌های مختلف سیاسی بر اساس تعارض ایدئولوژیک میان آن‌ها در دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مسلماً هر چه تعدد گروه‌های سیاسی بیشتر و انسجام ایدئولوژیک بین آن‌ها کمتر باشد، رقابت سیاسی نیز بیشتر خواهد بود. در خصوص نظارت سیاسی نیز، میزان تایید صلاحیت‌های شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی از سوی بلوک حاکمه قدرت در انتخابات مختلف پس از انقلاب، بالأخص انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، میزان رشد رسانه‌ها بالأخص روزنامه‌ها و نیز میزان توقیف آن‌ها در مقاطع مختلف می‌تواند شاخص‌های مناسبی برای ارزیابی آن باشد.

تکنیک تحلیل بولی: حال پس از سنجش روند طولی متغیرهای سه‌گانه مشارکت، رقابت و نظارت سیاسی پس از انقلاب اسلامی، می‌بایست از روشی برای ترکیب شاخص‌های سه‌گانه فوق به منظور نشان دادن سیر یا فرایند توسعه مردم‌سالاری استفاده شود؛ در این راستا از تکنیک تحلیل بولی که تکنیکی ترکیبی برای ترکیب یا تلفیق شاخص‌های مختلف یک متغیر است به کار گرفته خواهد شد. در تکنیک تحلیل بولی که بر جبر بولی متکی است «موردها به‌مثابه کل ترکیب‌بندی شده، برحسب عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها بررسی می‌شوند» (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). در این روش ترکیبی می‌بایست به وجود یا عدم وجود شرط یا علت کافی و لازم توجه نمود؛ ۱- علیت مبتنی بر شرط لازم و کافی: «یک علت وقتی شرط کافی و لازم است که خود به‌تنهایی سبب وقوع نتیجه شود؛ {مثلاً} در عبارت $E=B$ ، B علت لازم و کافی E است»؛ ۲- علیت مبتنی بر شرط کافی و نه لازم: «وقتی شرط کافی و نه لازم است که در آن شرطی به نتیجه منجر شود ولی تنها علتی نباشد که چنین قابلیت را دارد. در این شرط، علتی دیگر هم می‌تواند به همان نتیجه منجر شود. در معادله $E=A+B$ ، A و B علت کافی و نه لازم E هستند. هر دو شرط، شروط کافی هستند، ولی احتمال دارد محقق تنها در جستجوی شرط A یا B باشد»؛ ۳- علیت مبتنی بر شرط لازم و نه کافی: «علتی، شرط لازم و نه کافی است که در ترکیب با علت‌های دیگر به نتیجه منجر شود و در همه ترکیب‌های علی هم حضور داشته باشد. در معادله $E=AC$ ، A و C علت لازم و غیر کافی برای E هستند» (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

بنابراین، این نوشتار در تلاش است تا با روش کمی-توصیفی (به صورت سنجش میزان تغییرات شاخص‌های فوق به لحاظ درصد فراوانی و پراکنندگی درصدی)- ابتدا روند هر یک از متغیرهای سه‌گانه فوق را پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد. آنگاه، با ترکیب متغیرهای فوق با استفاده از تکنیک تحلیل بولی روند توسعه مردم‌سالاری پس از انقلاب اسلامی را در مقاطع زمانی مختلف مورد ارزیابی قرار دهد. مقاطع زمانی که در این نوشتار مدنظر است به‌قرار ذیل هستند:

الف - ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ (دوره اول)؛ ب - ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ (دوره دوم)؛ پ - ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ (دوره سوم) و ت - ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (دوره چهارم)

علت تمایز این مقاطع زمانی، شرایط خاص حاکم بر هر دوره و تفاوت مؤلفه‌های مردم‌سالاری در آن‌هاست. در ابتدای امر، به نظر می‌رسد در حالی که در دوران اول و سوم شاهد رشد شاخص‌های توسعه مردم‌سالاری هستیم، در دوره‌های دیگر، یعنی دوم و چهارم، شاهد افول یا ضعف نسبی مؤلفه‌های مردم‌سالاری در کشور هستیم. در ادامه ابتدا به چهار دوره مزبور از رهگذر سه مؤلفه مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی که برگرفته از نظریه رابرت دال هست پرداخته خواهد شد و پس از آن، جداول و نمودارهای داده‌های مطرح شده در هر مقطع ارائه خواهد شد و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری روند توسعه مردم‌سالاری نیز قسمت پایانی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

دوره اول (سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰)

در مرحله یا دوره اول که انقلاب اسلامی فضای سیاسی متکثر و کاملاً بازی را تجربه می‌کرد گروه‌هایی مختلف و متنوعی در فضای انتخاباتی مشارکت داشتند؛ به‌طور کلی می‌توان دامنه گروه‌های فوق را در پنج قسم به‌شمار آورد: جمهوری خواهان که اسلامیت را بر نمی‌تافتند؛ هواداران جمهوری دموکراتیک که به‌جای اسلامیت بر دموکراتیک بودن تأکید داشتند؛ هواداران جمهوری خلق که از نگرش چپ تغذیه می‌کردند؛ طرفداران الگوی حکومت اسلامی بدون هیچ‌گونه قیدی با صبغه غربی؛ قائلان به الگوی جمهوری اسلامی که هر دو حد را به‌عنوان مبنا می‌پذیرفتند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۷۴).

در چنین فضایی، اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران، روز ۵ بهمن ۱۳۵۸ به فاصله یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که دولت موقت مهدی بازرگان استعفا داده و مدیریت اجرایی کشور به شورای انقلاب محول شده بود. در این انتخابات، گروه‌های مختلف از جمله ملی‌گراها همچون نهضت آزادی، گروه‌های ناسیونالیست و جبهه ملی و گروه‌های مذهبی همچون حزب جمهوری اسلامی، مؤتلفه اسلامی، جامعه و عاظم، روحانیت مبارز و گروه‌های دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران شرکت داشتند (دارابی، ۱۳۹۱: ۵۹-۱۱۰). درصد مشارکت بسیار بالای دارندگان حق رأی (۶۷/۸۶) در این انتخابات نیز دلیل دیگر بر علاقه و حضور پررنگ مردم در انتخابات بود.

فضای به وجود آمده از انقلاب مردمی ایران و شرایط ایجاد شده برای حضور گروه‌های مختلف سیاسی با گرایش‌های مختلف باعث شده بود که تقریباً غالب احزاب و گروه‌ها در این دوره کاندیدای موردنظر خود را معرفی نمایند به گونه‌ای که به جز چهره‌های سرشناسی همچون مسعود رجوی به دلیل عدم دادن رأی به قانون اساسی یا رد صلاحیت جلال‌الدین فارسی به دلیل تردید در اصالت ایرانی^۱ - از مجموعه کاندیدای ثبت نام شده، ۱۲۴ نفر از آنان تایید صلاحیت شدند؛ به عقیده بسیاری از تحلیلگران، انتخاباتی که در ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۵۸ برگزار شد، متنوع‌ترین انتخابات به لحاظ حضور جریان‌های سیاسی بعد از پیروزی انقلاب در ایران بود.

انتخابات مجلس شورا (که هنوز ملی خوانده می‌شد و نه اسلامی) در همان سالی برگزار شد که در فروردین آن اکثریت قابل توجهی از ایرانیان به جمهوری اسلامی «آری» گفتند؛ در مرداد ماه در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کردند؛ در آذرماه، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب رساندند و در بهمن‌ماه، نخستین رئیس جمهور ایران را برگزیدند.

ترکیب و تنوع گروه‌های سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات و تب‌وتاب جامعه‌ای که هنوز از پیروزی انقلاب آن، یک سال بیشتر سپری نمی‌شد، انتخابات مجلس را کاملاً متمایز می‌ساخت. ترکیب احزاب و گروه‌های شرکت‌کننده در انتخابات، متنوع و متکثر بود: از حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت

1. <http://emam.com/posts/view/2243>

زنان مسلمان و اتحادیه انجمن‌های اسلامی گرفته تا نهضت آزادی ایران، جبهه ملی ایران، حزب توده، سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، جاما، جنبش مسلمانان مبارز و حتی دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور (ابوالحسن بنی‌صدر). ترکیب نمایندگان در مجلس شورای اسلامی این دوره نیز تکثر و عدم تراکم را نشان می‌دهد. هرچند مشارکت جمعیت دارندگان حق رأی در این انتخابات نسبت به سایر دوران کم بوده است (۵۲/۱) اما درصد بالای تأیید صلاحیت شدگان (۸۸ درصد) از مجموعه تعداد کاندیداها (۳۶۹۴) و نیز تعداد ۹ نفر نامزد در مقیاس یک میلیون نفر (۹ نامزد به ازای هر یک میلیون نفر) نسبت به دوره‌های دیگر که یکی از بزرگ‌ترین آمار رقمی را به خود اختصاص داده نیز نشان‌گر وجود تنوع رقابت سیاسی و حداقل نظارت سیاسی از سوی وزارت کشور بوده است.

دوره دوم (سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶)

سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸

به نظر می‌رسد در این دوره نسبت به دوره قبل، فضای باز دوره گذشته به فضایی نسبتاً بسته یا نیمه‌باز تبدیل شده است. در واقع، «در این مقطع و در ادامه قرار گرفتن کشور در فضای جنگی از شهریور ماه ۱۳۵۹ به مدت هشت سال تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران و پایان جنگ، زمینه را برای بسط گسترش برنامه‌های انقلابی و ایدئولوژیک و کنترل کامل دولت بر همه امور و بسیج توده‌ای و دولتی شدن اقتصاد و ... کوپنی کردن کالاها و کاهش و توقف سرمایه‌گذاری‌ها، ضمن ملی کردن صنایع، بانک‌ها و روانه شدن همه درآمدهای نفتی به سوی هزینه‌های جنگ و گسترش دستگاه اداری انجامید. به‌علاوه، مقابله بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور با نخست‌وزیر رجائی و مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی به رهبری آیت‌الله دکتر بهشتی و بعداً آغاز مبارزه مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در خرداد ماه ۱۳۶۰، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فضای سیاسی در کشور داشت» (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۱۹-۳۲۰)؛ بنابراین ترورهای بی‌امان سازمان مجاهدین خلق (که بارزترین آن انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیرماه ۱۳۶۰ و شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ نفر از برجسته‌ترین مدیران و ۴۰ نماینده مجلس و ۴ وزیر بود)، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و لزوم توجه جدی حاکمان داخلی به کنترل، مدیریت جنگ و شعارها و اعمال انقلابی برای

تثبیت نظام سیاسی تا سال ۱۳۶۸ از عواملی بود که فضای نسبتاً باز اوایل انقلاب را به فضای محدودتر در یک دهه بعد تغییر داد.

در این دوره دومین، سومین و چهارمین انتخابات ریاست جمهوری و دومین و سومین انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در هر سه انتخابات ریاست جمهوری در این دوره، فضای رقابتی محدود به جریان‌های عمدتاً اسلامی است و جریان غیراسلامی راه خود را از راه نظام اسلامی جدا ساخته‌اند. در این دوره حضور نیروهای مذهبی همچون حزب جمهوری اسلامی ایران، موقوفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بسیار پررنگ است. در واقع دومین انتخابات ریاست جمهوری، اولین انتخاباتی بود که بدون حضور نیروهای لیبرال و یا چپ برگزار می‌شد (هزار جریبی و کیشی پورریک، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۸). در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری از مجموع ۶۷ نفر شرکت‌کننده به‌عنوان کاندیدای ریاست جمهوری تنها ۴ نفر به‌عنوان کاندیداهای نهایی انتخاب شدند. در دوره سوم نیز از مجموع ۴۲ نفر، نیز ۴ نفر و در انتخابات دوره چهارم نیز از مجموع ۴۷ نفر تنها ۳ نفر به‌عنوان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اجازه حضور و رقابت در انتخابات ریاستی با رقبایی که عمدتاً به لحاظ فکری و جریان‌شناختی تفاوت بارز و استراتژیکی نداشتند، یافتند (نگاه کنید به جداول شماره ۱ و ۲). لذا رقابت سیاسی در این دوران نسبت به دوران اولیه انقلاب کمتر و نظارت سیاسی با تشکیل و پدید آمدن شورای نگهبان و تفویض اختیار نظارت بر انتخابات از وزارت کشور به آن، بیشتر شده است. در خصوص مشارکت سیاسی نیز هر چند در دوره سوم انتخابات ریاست جمهوری نسبتاً بالا بوده است (۷۴/۲۶)، اما در دوره دوم و چهارم حضور و مشارکت تعداد دارندگان حق رأی در این انتخابات نسبت به دوره اول ریاست جمهوری کمتر شده است به طوری که در دوره دوم حدوداً ۶۴ درصد و دوره چهارم نیز بسیار کمتر بوده است (حدوداً ۵۴ درصد).

در انتخابات مجلس شورای اسلامی در این دوره نیز شرایط و وضعیتی همچون وضعیت انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد. در انتخابات دوم مجلس شورای اسلامی خبری از هیچ‌کدام از احزاب و سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون نبود. جبهه ملی ایران متهم به ارتداد شده بود؛ سازمان مجاهدین خلق، سازمان فداییان خلق و حزب توده نیز به خاطر جداسازی راه خود از نظام سیاسی، اجازه فعالیت نداشتند و نهضت آزادی ایران و جمعیت‌های همسو نیز از

مدت‌ها پیش امکان فعالیت سیاسی نداشتند. لذا در این انتخابات و در انتخابات بعدی اجازه حضور و فعالیت از آنان سلب شده بود (خان محمدی، ۱۳۹۲: ۷۷). همچنین این انتخابات، آغاز محل رقابت نیروهای نظام سیاسی مستقر بود و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری دیدگاه‌ها و فهرست‌های فرعی چپ و راست و بروز تمایلات تمایزطلبانه شد که در مبارزات انتخاباتی بعد به شکل آشکارتری خود را نشان داد.

در خصوص میزان مشارکت در انتخابات مجلس دوم و سوم؛ در دوره دوم مجلس شورای اسلامی میزان مشارکت دارندگان حق رأی ۶۴/۵ درصد و در انتخابات مجلس سوم، این میزان به ۵۹/۵ درصد رسیده بود که نسبت به دوره قبلی ۵ درصد کاهش داشته است؛ اما با سنجش این میزان مشارکت نسبت به دوره سوم تفاوت زیادی مشاهده می‌شود. همچنین در انتخابات مجلس دوم و سوم به ترتیب، ۱۵۹۲ و ۱۹۹۹ نفر شرکت کردند که از این میزان به ترتیب ۱۶/۷ و ۱۶/۶ درصد از تعداد شرکت‌کنندگان جزء رد صلاحیت شدگان بودند؛ آماري که نسبت به دوره اول انتخابات مجلس که رقم معادل ۱۲ درصد بوده است، به‌طور متوسط ۴/۶۵ درصد افزایش یافته است.

سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶

با آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ و در قالب «کارگزاران سازندگی» و با تکیه به مدیران تکنوکرات، به کار، تولید، صنعتی‌شدن و رونق اقتصادی و ... در اداره سیاسی جامعه همت گماشت. علاوه بر آسیب‌ها و خرابی‌های ناشی از جنگ، نظام اجتماعی ایران پس از ۱۳۶۸ با مسائل حاد و دشواری روبه‌رو بود که رفیع پور آن‌ها را چنین برمی‌شمارد: «فقر، تورم، انحرافات و آشفتگی اجتماعی و سازمانی، کاهش وحدت و انسجام اجتماعی، دلسردی، بی‌اعتمادی، آلودگی هوا، تخریب محیط زیست، کمبود دارو، اعتیاد و کاهش تولید، ...» (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۵۷). به باور رفیع پور ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی چند عنصر مثبت هم داشت: «۱- تغییر جامعه از جامعه بسته به سوی جامعه باز؛ ۲- انعطاف‌پذیری در مورد الگوهای سنتی- مذهبی؛ ۳- استفاده از افراد متخصص و روش‌های جدید به جای روش‌های قدیمی ناموفق در ۸ سال قبل؛ ۴- کاهش کنترل دولت بر بخش اقتصاد» (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۵۰).

به‌طور کلی در این دوره توجه دولت کارگزاران سازندگی بهبود و پیشبرد مسائل اقتصادی بود نه سیاسی «اما فشارها از سوی جناح راست و بازار بر کارگزاران سازندگی، یکی از عواملی بود که این گروه را به جناح چپ متمایل کند. ضمن اینکه جناح چپ نیز به تعدیل مواضع پیشین خود پرداخته و در پیوند با فعالیت‌های فکری روشنفکران دینی و سکولار هر دو، به بازسازی چهارچوب فکر خود همت گماشته و در بعد سیاسی و فرهنگی به پلورالیسم و لیبرالیسم و جامعه مدنی تمایل یافته و می‌رفت که در دوره سوم طبقه متوسط جدید به وجود آمده و تقریباً ناراضی را نمایندگی کند» (موتقی، ۱۳۸۵: ۳۳۶).

در این دوره نیز دو انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۱۳۶۸ (پنجمین انتخابات ریاست جمهوری) و ۱۳۷۲ (ششمین انتخابات ریاست جمهوری) و دو انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های ۱۳۷۱ (چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی) و ۱۳۷۴ (پنجمین انتخابات مجلس شورای اسلامی) برگزار گردید. همان‌گونه که گفته شد به دلیل اولویت سیاست‌های دولت بر تنش‌زدایی در سیاست خارجی و سامان دادن وضع نامطلوب اقتصادی بعد از جنگ، فضای سیاسی به شکل دوره قبل (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸) ادامه یافت و در این دوره نیز خبری از رقابت و حضور متکثر و متنوع جریان‌های مختلف سیاسی بالأخص گروه‌های لیبرال و چپ وجود نداشت.

در انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری، جناح چپ نماینده‌ای برای حضور در انتخابات نداشت و تنها جریانی که در این انتخابات حضور و فعالیت داشتند جریان راست شامل جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین بوده است. در انتخابات بعدی نیز جناح چپ با عدم معرفی کاندیداها برای حضور در انتخابات، اکثر کاندیداها وابسته به جناح راست بودند که بیش از همه احمد توکلی رویکرد انتقادی اتخاذ کرد؛ بنابراین در این دوره عدم حضور جریان چپ در انتخابات و حضور و فعالیت جریان راست شامل جامعه روحانیت مبارز، موتلفه اسلامی، جامعه مدرسین و جامعه زینب به مراتب به چشم می‌خورد (مجیدی و اقبال، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۵۸). از مجموع تعداد شرکت‌کنندگان برای کاندیداتوری در دوره پنجم و ششم نیز به ترتیب، ۲ و ۴ نفر به‌عنوان کاندیدای نهایی انتخاب شدند؛ این در حالی بود که در این دو دوره به ترتیب ۷۷ و ۱۲۴ نفر نام‌نویسی کرده بودند. میزان مشارکت در این دو دوره انتخابات به ترتیب ۵۴/۵۹ و ۵۰/۶۶ بوده که حتی نسبت به دوره قبل انتخابات (دوران دوم،

سوم و چهارم) نیز کمتر بوده است.

در آستانه انتخابات مجلس چهارم، نظارت استصوابی و رد صلاحیت نیروهای همسو با مجمع روحانیون مبارز، مجلسی از نیروهای همسو با جناح راست شکل داد که در آن زمان، هنوز از اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت می‌کردند. جامعه روحانیت مبارز با شعار «پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری و حمایت از هاشمی» به صحنه انتخابات آمد. گروه‌های همسو با این تشکل (همچون جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه و عاظم، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زینب و جامعه اصناف و بازار) نیز از فهرست جامعه روحانیت مبارز حمایت کردند (خواج‌ه - سروی، ۱۳۸۲: ۳۲۹). درصد عدم تاییدشدگان در این مجلس به مراتب بسیار بیشتر از دوره‌های قبل بود به طوری که در مجلس چهارم ۲۵/۵ درصد و در مجلس پنجم ۳۴/۶ درصد از کسانی که اعلام حضور کرده بودند رد صلاحیت شدند. میزان مشارکت سیاسی نیز در این مجالس به ترتیب ۵۷/۸ و ۷۱ بوده است. از نظر تعدد و تکثر جریان‌های سیاسی، مجلس پنجم نسبت به دوره قبل بیشتر بوده است؛ به طوری که این مجلس با چهار طیف سیاسی ائتلاف خط امام، جامعه روحانیت مبارز، کارگزاران سازندگی و جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی به رقابت پرداخته و وارد مجلس شده‌اند.

دوره سوم (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)

نتیجه انتخابات مجلس پنجم و تشکیل حزب کارگزاران سازندگی و حمایت آن از هاشمی رفسنجانی و نیز ترکیب مجلس پنجم تحول مهمی را در عرصه سیاسی نشان می‌داد، به طوری که کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز حدوداً ۱۰۵ کرسی، کارگزاران حدود ۶۰ کرسی و جناح چپ هم حدود ۶۰ کرسی را به خود اختصاص داده بودند به عبارت دیگر فضای رقابت و تکثر سیاسی در مجلس نسبت به دوران قبل تغییر یافته بود. روند تقویت اصلاح طلبان، مرکب از کارگزاران، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و بعداً جبهه مشارکت، با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ در برابر کاندیدای جناح راست و سنتی، یعنی علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس چهارم و پنجم وارد فاز جدید و مهمی شد. خاتمی حدود ۶۹ درصد آرا را کسب کرد، در حالی که ناطق نوری حدود ۲۵ درصد آرا را به دست آورد. این

پیروزی در چند انتخابات بعدی، یعنی انتخابات شوراهای شهرها، مجلس ششم و نیز انتخابات بعدی ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ با کسب اکثریت قاطع آرای شرکت‌کنندگان، تکمیل شد (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۳۷). خاتمی در دوره اول ریاست جمهوری خود گفتمان سیاسی جدیدی را حول محور تأکید بر جامعه مدنی، توسعه سیاسی و گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی و حاکمیت قانون و مردم‌سالاری دینی و نیز ابتکار «گفتگوی تمدن‌ها» و تنش‌زدایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی، مطرح کرده بود. کدی در این باره می‌نویسد: «شاید بزرگ‌ترین دستاورد خاتمی کمک به رواج ایده دموکراسی و تا حدودی بازتر کردن دولت بوده است. کتاب‌های متنوع بسیاری منتشر شده است و گسترش بحث و گفتگوی رسانه‌ای و عمومی، گفتمان‌های بسیاری را درباره حاکمیت قانون، جامعه مدنی ... به همراه آورده است ... از زمانی که او آمده است ... مردم بسیار بیشتر زبان به اعتراض می‌کشایند، عقاید جدید منتشر می‌شود...» (کدی، ۱۳۸۳: ۸۰ و ۸۲).

در این دوره هفتمین، هشتمین و نهمین انتخابات ریاست جمهوری و ششمین و هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در انتخابات هفتم ریاست جمهوری حضور جمع کثیر و با جریانات و نحله‌های مختلف سیاسی قابل مشاهده است. نیروهای جریان راست شامل جامعه روحانیت، جامعه زینب، موفقه اسلامی، جامعه مدرسین و نیروهای جریان سوم شامل جبهه پیروان خط امام و رهبری، جمعیت ایشارگران انقلاب اسلامی، جمعیت دفاع از ارزش‌ها و ... و نیروهای چپ شامل دفتر تحکیم وحدت، کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در انتخابات حضور داشتند (خان محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۱۱). در این دور از انتخابات ۲۳۴ نفر شرکت‌کننده کاندیداتوری خود را اعلام می‌کنند؛ آماري که برای اولین بار نسبت به آمار گذشته بیشتر بود که در نهایت سید محمد خاتمی با کسب حدوداً ۲۱ میلیون رأی انتخاب شد. حضور رقابت سیاسی و تکثر بیشتر نامزدهای انتخاباتی در دوره بعدی (۱۳۸۰) نیز به دلیل فضای به وجود آمده نیز بیشتر است. در انتخابات هشتم ریاست جمهوری برای اولین بار زمزمه جریان جدیدی که حاصل از تغییر نام‌گذاری جریان راست سنتی نیز بود تحت عنوان نیروهای اصولگرا به گوش می‌رسد. در این انتخابات طیف وسیعی از نیروهای اصلاح‌طلب و اصولگرا شرکت داشته‌اند. نیروهای اصولگرا شامل جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه اسلامی

دانشجویان و نیروهای اصلاح طلب شامل، جبهه مشارکت، دفتر تحکیم وحدت، مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی، خانه کارگر و ... هستند. با نزدیک شدن به پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی و در همین فضای سیاسی به وجود آمده، انتخابات نهم ریاست جمهوری برگزار می‌شود که در آن نیروهای مختلف سیاسی با رقابت و تنوع بیشتر حتی نسبت به دو دوره قبلی به کارزار انتخاباتی می‌پردازند. مهم‌ترین نیروهای شرکت‌کننده در این دوره شامل نیروهای مذهبی متشکل از جریان اصول‌گرا (معرفی چند کاندید): آبادگران، موتلفه اسلامی، جامعه روحانیت، جامعه مدرسین، جمعیت ایثارگران، چکاد، نیروهای آزاداندیشان جریان میانه‌رو و متمایل به چپ متشکل از کارگزاران، اعتدال و توسعه و نیروهای اصلاح‌طلبان متشکل از جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، خانه کارگر، جمعیت زنان می‌باشند (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۷). در این دوره بیشترین کاندیدها در انتخابات ریاست جمهوری بالأخص دوره هشتم و نهم و با سلیق و علایق متفاوت سیاسی نسبت به سایر دوره‌ها حضور دارند (۱۰ نفر در دوره هشتم و ۸ نفر در دوره نهم). لذا وجود رقابت سیاسی گسترده و تنوع آن از یک‌سو نشانگر تکثر فضای سیاسی است و از سوی دیگر نشانه نظارت کمتر بر جریان‌ها و نیروهای سیاسی است و آن‌گونه که پیداست، وجود تکثر بیشتر، نظارت از سوی اپوزیسیون بر سیاست‌های حکومتی را افزایش داده و بالعکس نظارت حکومت بر جریان‌های سیاسی را کاهش داده است. در خصوص مشارکت سیاسی نیز در این دوره به‌طور متوسط بیشترین مشارکت سیاسی مردم در انتخابات در دوره‌های مورد بررسی را نیز شامل می‌شود؛ به‌طوری‌که در انتخابات هفتم ریاست جمهوری ۷۹/۹۲ درصد، در انتخابات هشتم ۶۷/۷۷ درصد و در انتخابات نهم ۶۲/۶۶ درصد مشارکت سیاسی به ثبت رسیده است.

در خصوص انتخابات مجلس نیز هرچند برای مجلس ششم میزان مشارکت ۴ درصد نسبت به دوره قبل کاهش نشان می‌داد اما به جز تهران تمام استان‌ها مشارکتی بالاتر از ۵۰ درصد را ثبت کردند. همچنین در این مجلس حضور متنوع نیروهای سیاسی شامل جبهه مشارکت ایران اسلامی، کارگزاران سازندگی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از یک‌سو و جامعه روحانیت مبارز و جمعیت‌های سیاسی همسو با آن همچون موتلفه اسلامی و جامعه اسلامی مهندسين از سوی دیگر به چشم می‌خورد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۹، بازبینی شده در ۱۲ تیر ۱۳۹۴).^۱ درصد عدم تایید صلاحیت‌ها در این مجلس نسبت به تمام دوران انتخاباتی در ایران کمتر بوده است (۸/۳ درصد) و تعداد نامزدها در یک میلیون نفر جمعیت ۹/۸ درصد بوده است؛ این میزان نسبت به میزان تمام دوره‌های انتخاباتی در ایران بیشتر بوده است؛ اما انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی کمی چالش‌برانگیز است، شاید این به دلیل شروع دوران جدیدی است که دولت اصلاحات یا نتوانسته به وعده‌های خود عمل کند یا هم شرایط به وجود آمده، ثبات نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد؛ امری که به نظر می‌رسد به دلیل وجود تنش‌های بی‌شمار در انتخابات ششم مجلس شورای بوده است که گاهی اوقات تحصن نمایندگان و مجادله و بحث بر سر برخی از مسائل سیاسی، کارکرد اساسی مجلس شورای اسلامی را دچار مشکل می‌کرد؛ همچنین لازم به یادآوری است که انتخابات مجلس بعدی (هفتم) نشان از شروع تازه‌ای دیگر در عرصه فضای سیاسی ایران داشت.

هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در نخستین روز اسفند ۱۳۸۲، در حالی برگزار شد که ده‌ها نماینده اصلاح طلب مجلس ششم، استعفا داده و در ساختمان مجلس متحصن شده بودند. تحصن این نمایندگان، در اعتراض به اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت بیش از ۳۶۰۰ نفر از میان حدود ۸۱۵۰ نامزد نمایندگی مجلس بود. این رد صلاحیت نسبت به انتخابات قبل ۵۰۰ درصد افزایش نشان می‌داد. در این هنگام، احزاب اصلی اصلاح طلب نیز اعلام کردند که در انتخابات، کاندیدایی معرفی نخواهند کرد و در چنین شرایطی، وزارت کشور مجری برگزاری انتخاباتی شد که معترض آن بود (جلایی پور، ۱۳۸۷: ۳۲). از حدود ۴۶ میلیون و ۳۵۱ هزار نفر واجدان شرایط شرکت، ۲۳ میلیون و ۷۳۵ هزار نفر (حدود ۵۱ درصد) در این انتخابات شرکت کردند؛ این، کمترین میزان مشارکت در بین تمامی ادوار انتخابات مجلس بود و نسبت به دوره قبل ۱۶ درصد کاهش را نشان می‌داد.

دوره چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰)

انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری، هم حاکی از اختلاف و ناهماهنگی اصلاح طلبان بود و هم آشکارا نشانه شکست و رأی منفی اکثریت مردم به آنان. کروبوی، معین و هاشمی

1. <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/734683>

نتوانستند با هم هماهنگ شده و ائتلاف کنند و در نتیجه، محمود احمدی‌نژاد، کاندیدای جناح راست در قالب عناوینی چون «آبادگران» و «اصولگرایان»، در دور دوم و در سوم تیرماه ۱۳۸۴، با ۱۷ میلیون رأی در برابر هاشمی با حدود ۱۰ میلیون رأی به پیروزی رسید.

در این دوره یک انتخابات ریاست جمهوری (دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری) و دو انتخابات مجلس شورای اسلامی (انتخابات هشتم و نهم) برگزار گردید. در این انتخابات ۴۷۱ نفر برای شرکت در انتخابات نام‌نویسی کردند که در نهایت ۴ نفر (که تعداد انتخاب شوندگان نسبت به تعداد ثبت‌نام کنندگان (تعداد تایید صلاحیت شدگان) نسبت به دوره قبل کمترین میزان را داشته است) به عنوان نامزد نهایی انتخاب شدند: محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهور در حال کار)، محسن رضایی میرقائد (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و فرمانده سابق سپاه)، مهدی کروبی (رئیس اسبق بنیاد شهید، رئیس اسبق مجلس و دبیر کل حزب اعتماد ملی) و میرحسین موسوی (نخست وزیر سابق در دوره جنگ). محمود احمدی‌نژاد و محسن رضایی در تقسیم‌بندی‌های سیاسی جزء جناح اصول‌گرا بودند و مهدی کروبی و میرحسین موسوی در جناح اصلاح طلب. در این انتخابات همانند انتخابات مجلس در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰ بسیاری از شخصیت‌های روشنفکر، سکولار و دیگر شخصیت‌ها از نیروهایی همچون مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت اجازه حضور نیافتند. هرچند ۴ کاندیدای مطرح شده در این دوره بسیاری از خواسته‌های جناح‌ها و جریان‌های مختلف را پوشش می‌دادند اما تکثر و تنوع فضای انتخابات همانند دوره قبل نبود. همچنین در خصوص مشارکت سیاسی باید گفت در این دوره برای اولین بار در تاریخ ایران بیشترین مشارکت سیاسی مردم به وقوع پیوست، به طوری که از مجموع دارندگان دارای حق رأی بیش از ۸۵ درصد در این انتخابات شرکت نمودند. شاید یکی از دلایل چنین درصد مشارکت بالایی، وجود شکاف و ایجاد فضای دوقطبی در جامعه حول محور دو کاندیدای مطرح یعنی، میرحسین موسوی و محمود احمدی‌نژاد باشد.

در حالی که در انتخابات دهم ریاست جمهوری تکثر و تنوع نسبی رقابت و مشارکت حداکثری وجود داشته است، اما در انتخابات دو دوره مجلس چنین روندی وجود ندارد؛ هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که در ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد بخشی از اصلاح طلبان قهر سیاسی را کنار گذاشته و احزاب تازه تأسیسی همچون اعتماد ملی اولین

تجربه انتخاباتی‌اش را پشت سر می‌گذاشت. با این حال در این دوره نیز روند تایید صلاحیت‌ها به گونه‌ای بود که احزاب اصلاح‌طلبی مانند جبهه مشارکت وارد انتخابات نشدند. در نقطه مقابل آن‌ها اما اصولگرایان حضور وسیعی در انتخابات داشتند. افزون بر این، به غیر از حزب اعتماد ملی که با تابلو خود وارد انتخابات شد؛ احزاب دیگر حضور کم‌رنگ‌تری در رقابت‌های انتخاباتی داشتند و اولویت آن‌ها رقابت در قالب چند ائتلاف بود؛ از جمله «جبهه متحد اصولگرایان»، «ائتلاف فراگیر اصولگرایان» و «ائتلاف مردمی اصلاح‌طلبان» و ... به رقابت با یکدیگر پرداختند. انتخابات مجلس نهم در ۱۲ اسفند سال ۹۰ برگزار شد. رقابت اصلی در این انتخابات میان نیروهای اصولگرا بود. جبهه متحد اصولگرایان، جبهه پایداری، جبهه ایستادگی، ائتلاف بصیرت و بیداری اسلامی و صدای ملت گروه‌های اصولگرایی بودند که در این انتخابات به رقابت باهم پرداختند. اندک اصلاح‌طلبان حاضر در صحنه رقابت هم آن قدر ضعیف بودند که سهیلا جلودارزاده که در دور قبلی در لیست اصلاح‌طلبان نفر سی‌ام بود و یا در انتخابات میان‌دوره‌ای مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار می‌گرفت در این دوره سر لیست آن‌ها شده بود.^۱ لذا در این دوره به دلیل کنار کشیدن اصلاح‌طلبان از حضور و مشارکت در انتخابات، فضای تکثر و رقابت سیاسی در دو مجلس در این دوره به حداقل رسیده بود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت فضای حاکم بر مجلس نیز عمدتاً در دست اصولگرایان بود. همچنین میزان مشارکت سیاسی مردم در انتخابات هشتم و نهم شورای اسلامی که به ترتیب ۶۰ درصد و ۶۴/۲ درصد بوده نسبت به دوره قبل کاهش یافته است.

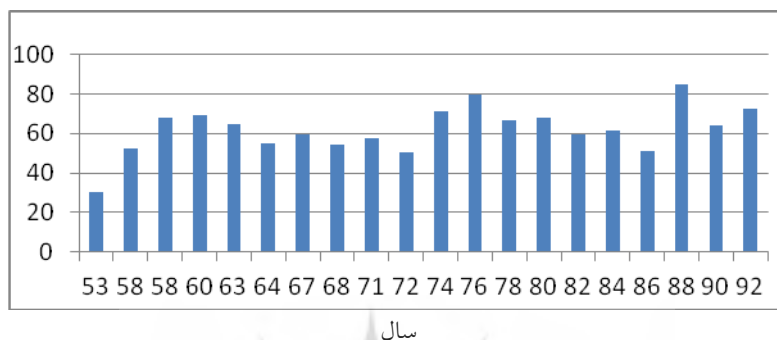
حال که در سطور فوق به تاریخچه مختصری از روند سیر متغیرهای سه‌گانه مشارکت، رقابت و نظارت سیاسی در مقاطع چهارگانه پس از انقلاب پرداخته شده است در ادامه تلاش می‌شود تا ابتدا روند سیر متغیرهای سه‌گانه فوق در قالب جداول و نمودارها مطرح و آنگاه در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، ترکیب شاخص‌های سه‌گانه فوق در چارچوب روند توسعه مردم‌سالاری نشان داده شود.

الف - مشارکت سیاسی

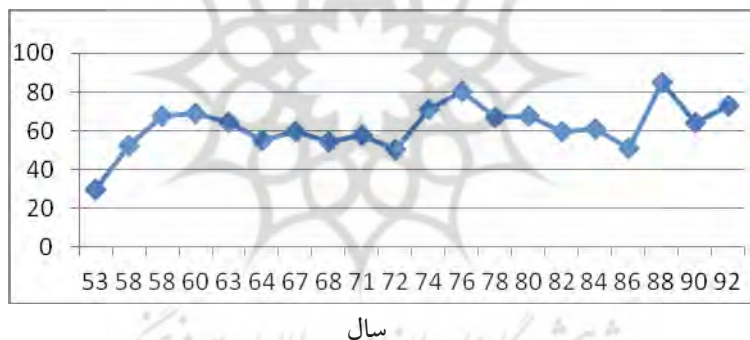
با استناد به آمارهای موجود (مرکز آمار ایران و سایت وزارت کشور) نمودار ترکیبی دو

1 <http://www.khabaronline.ir/detail/444340/Politics/election>

انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در چهار مقطع زمانی مورد بررسی، به صورت فراز و فرود بوده که نمودار میله‌ای و نقطه‌ای آن به صورت شکل ذیل قابل ترسیم است:



نمودار شماره ۱: نمودار میله‌ای درصد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی



نمودار شماره ۲: نمودار نقطه‌ای درصد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی

توضیحات: به طور کلی فراز و نشیب مشارکت در امر انتخابات پس از انقلاب به چشم می‌خورد، به طوری که با توجه به مقیاس کلی از رهگذر هر دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مشاهده می‌شود که در مقطع سوم و مقطع اول مشارکت در امر انتخابات بیشتر از مقاطع دیگر بوده است. البته اگر مقطع چهارم مورد ملاحظه قرار گیرد با میانگین ۶۹/۷۳ بیشترین مشارکت سیاسی پس از انتخابات را به خود اختصاص داده است؛ اما آنچه مشخص است فراز و فرود این مشارکت بالأخص در دوره دوم است و نیز آنکه برای ارزیابی سیر توسعه

مردم‌سالاری می‌بایست دیگر مؤلفه‌ها شامل رقابت سیاسی و نظارت سیاسی نیز مدنظر قرار گیرد.

ب- رقابت سیاسی

با رجوع به جداول زیر که در آنها خلاصه‌ای از رقابت سیاسی (شامل نام و تعداد نسبی گروه‌های سیاسی مشارکت‌کننده در انتخابات) آورده شده است می‌توان رقابت سیاسی در دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را نشان داد. آن‌گونه که جداول زیر نشان می‌دهند در دو دوره اوایل انقلاب تا سال ۱۳۶۰ و دوره سوم (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵) تعدد و تکثر گروه‌های سیاسی در امر انتخابات بیشتر از سایر دوره‌ها بوده است، این در حالی است که دوره چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰) و دوره سوم (۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶) از این حیث، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱: تکثر گروه‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری و فضای حاکم بر مقاطع مختلف از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰

دوره انتخابات	سال	نیروه‌های سیاسی در انتخابات	نامزدهای ریاست جمهوری	فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر کشور	کاندیدای برگزیده	تعداد نیروهای سیاسی
اولین	۱۳۵۸	نیروهای ملی‌گرا؛ - نهضت آزادی - گروه‌های ناسیونالیستی - جبهه ملی نیروهای مذهبی - حزب جمهوری اسلامی ایران - جامعه روحانیت مبارز - سازمان	- ابوالحسن بین‌صدر - سید احمد مدنی - حسن حبیبی - داریوش فروهر - صادق طباطبایی - محمد مکرری - کاظم سامی	- شور انقلابی - عدم شکل‌گیری کامل نهادهای نظارتی بر انتخابات	ابوالحسن بنی‌صدر	۸

			<ul style="list-style-type: none"> - صادق قطب‌زاده 	<ul style="list-style-type: none"> مجاهدین انقلاب اسلامی - نیروهای التقاطی - سازمان مجاهدین خلق ایران 		
۴	محمدعلی رجایی	<ul style="list-style-type: none"> تثبیت کامل نظام - جنگ تحمیلی - خروج برخی از نیروها از قدرت 	<ul style="list-style-type: none"> - محمدعلی رجایی - عباس شیبانی - حبیب‌ا... عسگراولادی - علی‌اکبر پرورش 	<ul style="list-style-type: none"> - حزب جمهوری اسلام ایران - مؤتلفه اسلامی - جامعه روحانیت مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی 	۱۳۶۰	دومین
۳	آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> - جنگ تحمیلی - ورود روحانیون در عرصه انتخابات ریاست جمهوری 	<ul style="list-style-type: none"> - آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای - سید علی‌اکبر پرورش - حسن‌غفوری فرد - سید رضا زواره‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> نیروهای مذهبی - حزب جمهوری اسلامی - جامعه روحانیت مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی 	۱۳۶۰	سومین
۳	آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> - جنگ تحمیلی - اختلاف نسبی بین گروه‌های متمایل - لزوم سازندگی کشور - شرایط خاص منطقه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> - آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای - حبیب‌ا... عسگراولادی - سید محمود کاشانی 	<ul style="list-style-type: none"> نیروهای مذهبی - حزب جمهوری اسلامی - جامعه روحانیت مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی 	۱۳۶۴	چهارم

۲	هاشمی رفسنجانی	- پایان جنگ - رحلت حضرت امام - لزوم سازندگی کشور - شرایط خاص منطقه‌ای	- هاشمی رفسنجانی - عباس شیبانی	نیروهای مذهبی جریان راست: - جامعه روحانیت مبارز - جامعه مدرسین جریان چپ: - عدم معرفی کاندیدا	۱۳۶۸	پنجم
۴	هاشمی رفسنجانی	- تورم - توسعه اقتصادی - شکاف طبقاتی - ورود نسل تکنوکراتها در عرضه مدیریتی	- هاشمی رفسنجانی - احمد توکلی - عبدا... جاسبی - احمد طاهری	انفکاک نسبی راست سنتی از راست مدرن: - رقابت سیاسی روحانیت مبارز - مولفه اسلامی - جامعه مدرسین - جامعه زینب شکل‌گیری راست مدرن: - جناح چپ در انتخابات، کاندیدا معرفی نکرد	۱۳۷۲	ششم
۱۱	سید محمد خاتمی	- انقطاع نسبی طبقه متوسط - افزایش نرخ سواد - لزوم توسعه سیاسی - تحول در ارزش‌های جامعه - افزایش جمعیت جوان	- سید محمد خاتمی - علی اکبر ناطق نوری - سید رضا زواره‌ای - محمد محمدی ری شهری	نیروهای مذهبی جریان راست: - جامعه روحانیت - جامعه زینب - مولفه اسلامی - جامعه مدرسین - جبهه پیروان خط امام و رهبری - جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	۱۳۷۶	هفتم

		<p>- ورود روشنفکران به عرصه انتخابات</p>		<p>- جمعیت دفاع از ارزش‌ها و ... جریان چپ: - دفتر تحکیم وحدت - کارگزاران سازندگی - مجمع روحانیون مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی</p>		
۱۰	سید محمد خاتمی	<p>اختلاف نسبی در جناح اصلاح طلب - چالش‌های اقتصادی - امید به بهبود و تحقق وعده‌های اصلاح طلبان - تغییر نسبی در ارزش‌ها</p>	<p>- سید محمد خاتمی - احمد توکلی - علی شم خانی - عبدا... جاسبی - حسن غفوری فرد - منصور رضوی - شهاب‌الدین صدر - علی فلاحیان - مصطفی هاشمی طبّا</p>	<p>نیروهای مذهبی: جریان اصول‌گرا: - جامعه روحانیت مبارز - جامعه مدرسین - مؤتلفه اسلامی - جامعه اسلامی مهندسین - جامعه اسلامی دانشجویان جریان اصلاح طلب: - جبه مشارکت - دفتر تحکیم وحدت - مجمع روحانیون مبارز - کارگزاران - خانه کارگری</p>	۱۳۸۰	هشتم

۱۳	محمود احمدی‌نژاد د	<ul style="list-style-type: none"> - شکاف بین اصلاح‌طلبان و معرفی کاندیداهای مختلف - هدف‌مندی سازی یارانه‌ها - آغاز و تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران 	<ul style="list-style-type: none"> - محمود احمدی‌نژاد - هاشمی رفسنجانی - محمدباقر قالیباف - مهدی کروبی - علی لاریجانی - مصطفی معین - محسن مهر علی زاده 	<ul style="list-style-type: none"> نیروهای مذهبی جریان اصولگرا (معرفی چند کاندید): - آبادگران - مؤتلفه اسلامی - جامعه روحانیت - جامعه مدرسین - ایثارگران - چکاد آزاد اندیشان جریان میانه‌رو و متمایل به چپ: - کارگزاران اعتدال و توسعه نیروهای اصلاح‌طلبان: - جبه مشارکت - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - مجمع روحانیون مبارز - خانه کارگر - جمعیت زنان 	۱۳۸۴	نهم
۴	احمدی‌نژاد د	<ul style="list-style-type: none"> - فضای دوقطبی انتخابات بین اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان - تظاهرات طرفداران 	<ul style="list-style-type: none"> - مهدی کروبی - محمود احمدی‌نژاد - محسن رضایی - میرحسین موسوی 	<ul style="list-style-type: none"> - اصلاح‌طلبان - حزب اعتماد ملی - میرحسین موسوی (مستقل و بدون حزب) اصول‌گرایان 	۱۳۸۸	دهم

		میرحسین موسوی مینی بر تقلب در انتخابات - تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران		- محمود احمدی‌نژاد (آباد گران) - رضایی (مستقل و بدون حزب)		
--	--	---	--	---	--	--

جدول شماره ۲: تکرر گروه‌های سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مقاطع مختلف از سال

۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰

تعداد نیروهای سیاسی	نیروهای سیاسی در انتخابات	سال	دوره انتخابات
۸	نیروهای ملی‌گرا: - نهضت آزادی ناسیونالیستی - جبهه ملی نیروهای مذهبی: - حزب جمهوری اسلامی ایران مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - سازمان مجاهدین خلق ایران	۱۳۵۸	اولین
۴	- حزب جمهوری اسلام ایران - جامعه روحانیت مبارز - سازمان مجاهدین - موتلفه اسلامی	۱۳۶۳	دومین
۳	نیروهای مذهبی - حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	۱۳۶۷	سومین
۳	نیروهای مذهبی - جامعه روحانیت مبارز - حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	۱۳۷۱	چهارم
۷	- جامعه مدرسین - جامعه روحانیت مبارز	۱۳۷۴	پنجم

	<ul style="list-style-type: none"> - ائتلاف خط امام، - سازندگی - جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی - مجمع روحانیون مبارز - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی 		
۸	<ul style="list-style-type: none"> - جامعه روحانیت - جامعه مدرسین - جامعه اسلامی مهندسين شکل‌گیری راست مدرن: - جبهه مشارکت ایران اسلامی - کارگزاران - سازندگی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی 	۱۳۷۸	ششم
۶	<ul style="list-style-type: none"> - ائتلاف برای ایران - خدمتگزاران مستقل ایران اسلامی - جمعیت اینارگران - انقلاب اسلامی - چکاد آزاد اندیشان - جامعه اسلامی مهندسين 	۱۳۸۲	هفتم
۵	<ul style="list-style-type: none"> - ائتلاف فراگیر - جبهه متحد اصولگرایان - اصولگرایان - ائتلاف مردمی اصلاح‌طلبان - حزب مردم‌سالاری 	۱۳۸۶	هشتم
۵	<ul style="list-style-type: none"> - جبهه پایداری - ائتلاف بصیرت و - جبهه متحد اصولگرایان - جبهه ایستادگی - بیداری اسلامی - حزب مردم‌سالاری 	۱۳۹۰	نهم

پ- نظارت سیاسی

نظارت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی

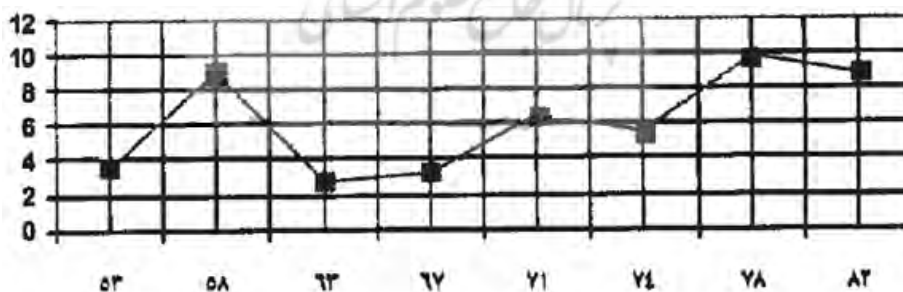
جدول شماره ۳: درصد رد صلاحیت شدگان و تعداد نامزدها در یک میلیون نفر در

انتخابات مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۲

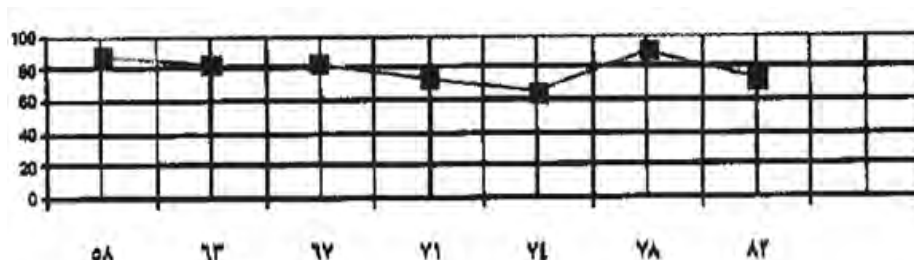
دوره	سال	تعداد کاندیداها	صلاحتشدگان درصد ناآید	صلاحتشدگان تعداد رد	صلاحتشدگان درصد رد	تعداد نامزدها در یک میلیون نفر جمعیت
قبل از انقلاب	۱۳۵۴	۱۳۴۹	نامشخص	نامشخص	نامشخص	۲/۶
اول	۱۳۵۸	۳۶۹۴	۸۸	۴۴۷	۱۲	۹
دوم	۱۳۶۳	۱۵۹۲	۸۳/۳	۲۶۶	۱۶/۷	۲/۸
سوم	۱۳۶۷	۱۹۹۹	۸۳/۴	۳۳۳	۱۶/۶	۳/۳
چهارم	۱۳۷۱	۳۲۳۳	۷۴/۵	۸۲۷	۲۵/۵	۶/۵
پنجم	۱۳۷۴	۵۳۶۶	۶۵/۴	۱۸۵۸	۳۴/۶	۵/۵
ششم	۱۳۷۸	۶۸۵۳	۹۱/۷	۵۷۱	۸/۳	۹/۸
هفتم	۱۳۸۲	۸۱۷۲	۷۳/۳	۴۱۸۵	۲۶/۷	۸/۹

مأخذ: سایت اینترنتی وزارت کشور (www.moi.ir)

توضیحات: درصد رد صلاحیت شدگان در دوره اول و سوم نسبت به دوران دیگر کمتر است و نیز آنکه تعداد نامزدها در یک میلیون نفر جمعیت نیز در دو دوره اول و سوم نسبت به دوران دیگر بیشتر است. در دو دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت شدگان به ترتیب ۴۰ درصد و ۱۷ درصد (با توجه به سایت وزارت کشور) می‌باشند. این دو معیار تا حدودی می‌تواند فضای رقابت بیشتر و نظارت کمتر بر فرایند انتخابات در دو دوره اول و سوم را نشان دهد. نمودار جدول فوق به شکل ذیل است:



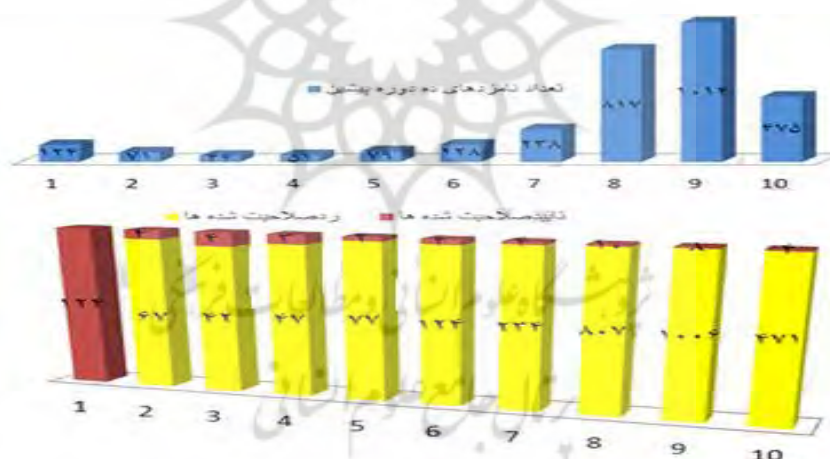
نمودار شماره ۳: تعداد نامزدها در یک میلیون نفر در انتخابات مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۲



نمودار شماره ۴: درصد نامزدهای تأیید صلاحیت در انتخابات مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۸۲

نظارت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری

آن گونه که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود در دو دوره اول و سوم بیشترین تعداد رقابت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری وجود داشته که نشانگر وجود رقابت بیشتر در این دو مقطع زمانی است.



نمودار شماره ۵: تعداد رقابای انتخابات ریاست جمهوری در ده دوره ریاست جمهوری (۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰)

مأخذ: پایگاه تخصصی و غیردولتی انتخابات ایران (<http://www.entiran.ir>)

همچنین نگاهی به وضعیت تعداد روزنامه‌ها و نشریه‌های کشور و میزان توقیف آن‌ها از انجام فعالیت به‌عنوان شاخصی دیگر نیز می‌تواند فضای نظارت سیاسی را نشان دهد. آن گونه

که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، در دو دوره سوم و چهارم بیشترین شمار تعداد روزنامه‌ها و نشریات در سراسر کشور وجود داشته است. در دوره سوم بیشترین رشد تعداد روزنامه در سراسر کشور وجود داشته، به طوری که طبق این آمار، تعداد روزنامه در سال ۱۳۷۵ از ۶۶۴ عدد به ۳۳۸۲ عدد در سال ۱۳۸۵ می‌رسد؛ یعنی تعداد روزنامه‌ها ۵ برابر شده که خود نشانگر گسترش و اهمیت فضای اجتماعی-سیاسی گفتگو، نقد و مباحثه است؛ این در حالی است که در دوره چهارم هرچند به تعداد آنان افزوده شده اما نسبت به دوره قبل کمتر است.

جدول شماره ۴: تعداد روزنامه‌ها برحسب محل و فاصله انتشار آن‌ها از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱

سال	جمع کل	تهران					
		جمع	روزانه	هفتگی	دو هفته یک بار	ماهانه	دو ماه یک بار
۱۳۷۵	۶۶۲	۴۹۸	۳۴	۶۹	۲۹	۱۷۶	۱۶
۱۳۸۰	۱۳۴۷	۹۴۷	۷۵	۱۲۷	۵۶	۲۷۶	۴۰
۱۳۸۵	۳۳۸۲	۲۰۵۳	۱۰۶	۱۹۶	۸۶	۶۹۶	۸۱
۱۳۸۷	۳۵۶۵	۲۰۶۶	۹۸	۱۶۲	۸۶	۶۶۴	۸۷
۱۳۸۸	۳۸۰۹	۲۱۶۴	۹۸	۱۶۰	۸۹	۶۶۳	۹۴
۱۳۸۹	۴۰۱۰	۲۲۲۱	۱۰۰	۱۶۸	۹۴	۶۶۲	۱۰۲
۱۳۹۰	۴۸۹۹	۲۶۴۰	۱۰۳	۱۷۷	۱۲۹	۷۴۶	۱۳۰
۱۳۹۱	۵۶۰۶	۳۰۲۵	۱۰۳	۲۰۲	۱۴۹	۸۴۴	۱۵۷

سال	جمع	سایر شهرها					
		جمع	روزانه	هفتگی	دو هفته یک بار	ماهانه	دو ماه یک بار
۱۳۷۵	۱۶۴	۲۹	۵۷	۱۲	۲۲	۹	۲۹
۱۳۸۰	۴۰۰	۴۶	۱۴۰	۲۴	۴۴	۱۳	۸۶
۱۳۸۵	۱۳۲۹	۷۷	۴۳۳	۱۱۵	۳۰۷	۲۶	۲۷۰
۱۳۸۷	۱۴۹۹	۷۷	۴۶۶	۱۱۸	۳۲۵	۳۱	۳۴۵
۱۳۸۸	۱۶۴۵	۸۰	۴۹۰	۲۰۱	۳۴۲	۳۶	۴۱۹
۱۳۸۹	۱۷۸۹	۸۹	۵۳۳	۱۲۹	۳۵۵	۳۵	۴۷۶
۱۳۹۰	۲۲۵۹	۹۳	۵۳۹	۲۹۱	۴۴۷	۴۴	۶۲۱
۱۳۹۱	۲۵۸۱	۹۷	۵۵۴	۳۳۱	۵۳۶	۵۴	۷۲۴

مأخذ: مرکز آمار ایران (سالنامه آماری مرکز آمار ایران، بخش امور سیاسی، سال ۱۳۹۱)

تعداد روزنامه‌ها در دو دوره دیگر نیز، یعنی دوره اول و دوم به‌قرار ذیل است؛ با این توضیح که در دوره اول رشد بیشتری نسبت به دوره دوم داشته است.

جدول شماره ۵: رشد کمی تعداد نشریات کشور از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵

سال	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۶۵	۷۵
تعداد	۲۰۳	۸۲	۳۲۰	۶۶۲

مأخذ: (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۴۰ (۲۷۱) و نیز سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۱: ۶۳۷)

توقیف روزنامه‌ها و نشریات نیز در دوره سوم (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) شامل ۱۵ روزنامه و نشریه بوده است این در حالی است که تعداد ۴۶ نشریه و ۱۱ روزنامه در دوره چهارم توقیف شده‌اند.^۱ در دوره‌های دوم^۲ ۴ روزنامه و نشریه و دوره پنجم^۳ نیز ۷ روزنامه و نشریه بوده است.

نتیجه‌گیری

آن گونه که در قسمت آغازین این نوشتار آمد، روش بررسی فرازوفرودمردم‌سالاری بعد از انقلاب اسلامی روش کمی-توصیفی بوده است؛ روشی که می‌توان با بکار بردن داده‌های کمی به شکل توصیف آن‌ها به تطبیق یا مقایسه موضوعی در مقاطع مختلف زمانی پرداخت و آن گونه که بیان شد مؤلفه‌ها یا شاخص‌های مردم‌سالاری نیز برگرفته از نظریه رابرت دال، یعنی مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی بوده است. لذا تلاش شد تا سه مؤلفه فوق را با این روش در چهار مقطع زمانی بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و مقطعی که مشارکت، رقابت و نظارت سیاسی بیشتری از سوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی بوده‌اند را از دیگر مقاطع متمایز کرد. در این راستا، متغیر مشارکت سیاسی از طریق سنجش درصد یا آمار فراوانی مشارکت مردم در انتخابات و توصیف آن‌ها، متغیر رقابت از طریق تعدد یا تکثر گروه‌های سیاسی و متغیر نظارت از طریق سنجش تاریخی نظارت کمتر یا بیشتر شورای نگهبان بر امر انتخابات، فراوانی کاندیداهای مختلف در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در مقیاس ملی و میزان توقیف نشریات و روزنامه‌ها در هر دوره مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. از

1. <http://www.goftogoonews.com/Pages/News/>
 2. <http://www.fa.m.wikipedia.org/wiki/>
 3. <http://www.bartarinha.ir/fa/news/>

این روی، مقایسه سه مؤلفه فوق در هر مقطع و ارزیابی آن‌ها با مقاطع دیگر زمانی می‌تواند گویای روش کمی-توصیفی به منظور بررسی فراز و فرود مؤلفه‌های مردم‌سالاری در هر مقطع زمانی نسبت به مقاطع دیگر باشد.

بر مبنای داده‌ها و مباحث مطرح شده در این نوشتار، در دو مقطع زمانی اوایل انقلاب تا سال ۱۳۶۰ و ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، شاخص‌های سه‌گانه مردم‌سالاری دارای بیشترین درصد فراوانی در بُعد مشارکت سیاسی، وجود متعددترین و متنوع‌ترین گروه‌های سیاسی در بُعد رقابت سیاسی و بیشترین نظارت سیاسی از سوی اپوزسیون در بُعد نظارت سیاسی در مقایسه با دو مقطع ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بوده‌اند. مطابق با نمودارهای شماره ۱ و ۲ (که نشانگر فراز و فرود مشارکت سیاسی در مقاطع فوق هستند) متوسط درصد فراوانی مشارکت سیاسی در مقاطع اول و سوم بیشترین میزان را نشان می‌دهد. جداول شماره ۱ و ۲ تعدد و تنوع گروه‌ها و احزاب سیاسی در قالب دو جریان محافظه‌کاران و تجدیدطلبان از سال‌های اوایل انقلاب تا سال ۱۳۷۶ و دو جریان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان از سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ می‌باشند. مطابق با نمودار شماره ۵ در انتخابات ریاست جمهوری در مقاطع ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ و ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ بیشترین میزان فراوانی کاندیدای معرفی شده برای انتخابات ریاست جمهوری وجود داشته است و جداول شماره ۱ و ۲ و نمودار شماره ۵ نیز نشانگر متعددترین و متنوع‌ترین رقابت سیاسی در این دوران نسبت به دو دوره دیگر است. علاوه بر این در دو دوره موردنظر، اکثریت گروه‌های فعال سیاسی در قالب دو جریان اصلی حاکم بر نظام سیاسی کشور در عرصه سیاسی حضور داشته‌اند؛ این در حالی است که در دو مقطع دیگر، جریان قدرت یکدست و یکرنگ شده (شامل قوای قضائیه، قوه مجریه، قوه مقننه و مجموعه دیگر دستگاه‌های نظام همچون شورای نگهبان و مجلس خبرگان) به گونه‌ای که جریان رقیب حضور کمتری در تصمیم‌گیری سیاسی داشته است. در بُعد نظارت سیاسی نیز نمودار شماره‌های ۳، ۴ و ۵ و جداول شماره‌های ۳، ۴ و ۵ نشانگر کمترین نظارت سیاسی از سوی مجموعه دستگاه‌های حکومتی بر انتخابات و عملکردها و فرایندهای سیاسی در مقطع ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ و ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ است. نمودار شماره ۵ نشانگر کمترین رد صلاحیت شدگان در انتخابات ریاست جمهوری و جداول شماره ۳ و نمودارهای شماره ۳ و ۴ (بخش رد صلاحیت شدگان) نشان‌دهنده کمترین رد صلاحیت شدگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی در این

مقاطع نسبت به دو مقطع زمانی دیگر است. جداول شماره ۴ و ۵ نیز نشانگر بیشترین میزان رشد فراوانی روزنامه‌ها و نشریات در دو مقطع زمانی اول و سوم هستند. لذا اگر چنین گزاره‌ای (یعنی): نظارت بیشتر حکومت بر انتخابات و فرایند سیاسی به معنی نظارت کمتر اپوزیسیون بر انتخابات و فرایند سیاسی منطقی به نظر آید لذا مسئله رد صلاحیت شدگان، رشد بیشتر مطبوعات و نشریات نیز نشانگر کمینه نظارت سیاسی از سوی مجموعه نهادهای حکومتی و بیشینه نظارت سیاسی از سوی اپوزیسیون بر فرایند سیاسی در مقاطع اول و سوم هستند. حال از آنجا که سه شاخص مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و نظارت سیاسی از یک جنس نبوده و به صورت موازی و نه ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند می‌بایست با تکنیک ترکیبی، شاخص‌های سه گانه فوق با هم ترکیب یا جمع شده تا فراز فرایند مردم‌سالاری و فرود آن در مقطعی نسبت به دیگر مقاطع زمانی نشان داده شود. بر اساس تکنیک ترکیبی تحلیل بولی که در قسمت روش‌شناسی آمد، ابتدا سه شاخص فوق بدین صورت می‌باشند: مشارکت سیاسی معادل A، رقابت سیاسی معادل B، نظارت سیاسی معادل C و فراز و فرود مردم‌سالاری معادل F. بر مبنای تکنیک تحلیل بولی هنگامی که هر یک از متغیرهای فوق ارزش عددی ۱ را دارا باشند نشانگر حضور آن‌ها و هنگامی که ارزش عددی صفر داشته باشند نشانگر غیاب یا عدم حضور آن‌ها در این معادله هستند. از سوی دیگر، بر اساس مباحث رابرت دال، رقابت سیاسی محور اساسی مردم‌سالاری است لذا B هم لازم است و هم کافی؛ این در حالی است که دو متغیر دیگر، یعنی A و C، از شروط لازم توسعه مردم‌سالاری‌اند اما کافی نیستند. از این روی، بر اساس آنچه در قسمت روش‌شناسی و توضیحات فوق آمد، معادله ذیل به دست می‌آید:

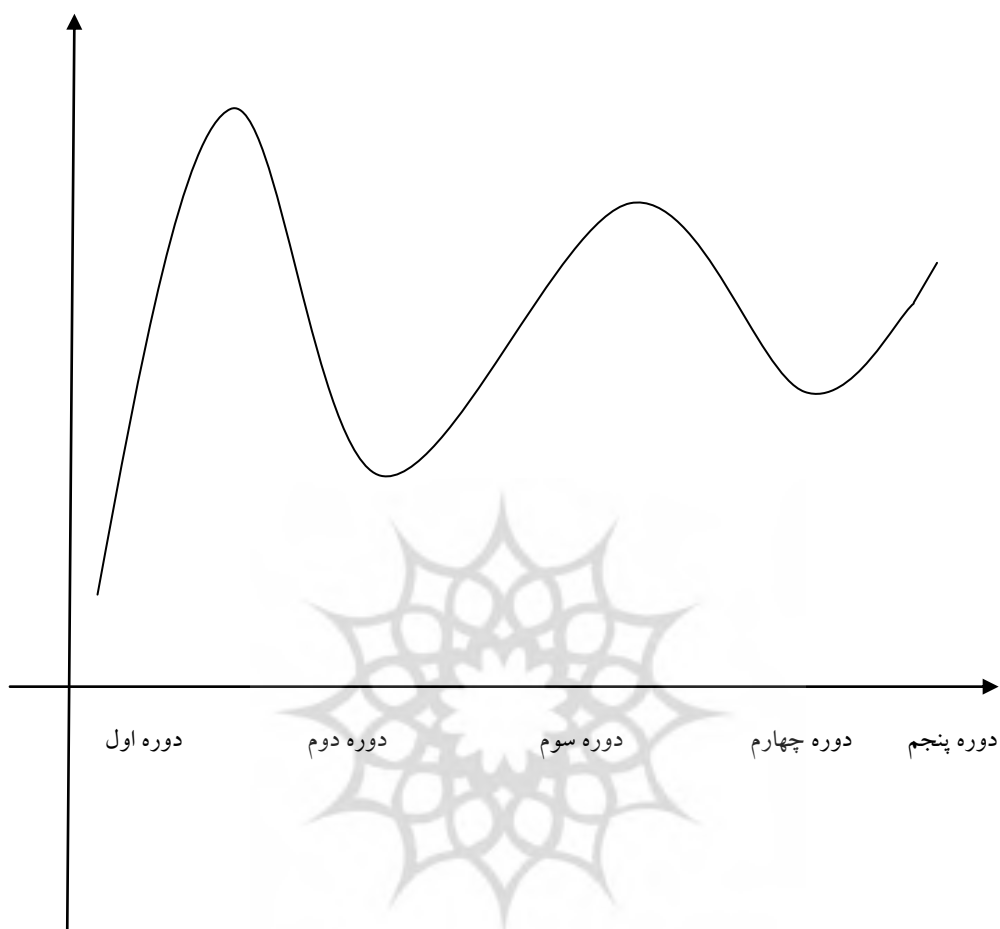
$$\text{رقابت سیاسی} + (\text{نظارت سیاسی} \times \text{مشارکت سیاسی}) = \text{فراز و فرود مردم‌سالاری}$$

$$F = AC + B$$

حال تابع F هنگامی یک خواهد بود که AC یا B یا هر دو آن‌ها یک باشند. بر اساس آنچه در این نوشتار گذشت فراز مردم‌سالاری در دوره اول و سوم به دلیل وجود رقابت سیاسی (به‌عنوان شاخص کافی و لازم) و مشارکت و نظارت سیاسی (به‌عنوان شاخص‌های لازم) یک خواهد بود. در دیگر مقاطع (دوره دوم و چهارم) هر چند مشارکت سیاسی برابر با یک است اما به دلیل فقدان نظارت سیاسی، حاصل ضرب A در C برابر صفر خواهد بود؛ علاوه بر این،

در این دو مقطع، B یا شاخص رقابت سیاسی نیز ارزش عددی صفر دارد؛ بنابراین حاصل جمع آن‌ها صفر است که به معنای فرود مردم‌سالاری در مقاطع زمانی نامبرده است.

بنابراین اگر جبر بولی را براساس عدد صفر و یک تنظیم کنیم آنگاه نمودار ترکیب متغیرهای سه‌گانه مردم‌سالاری به صورت میله‌ای خواهد بود؛ به بیان دیگر، در این صورت چنین نموداری نمی‌تواند فراز و فرود مردم‌سالاری را به صورت دقیق نشان دهد؛ اما اگر جبر بولی را به صورت درجه‌ای بیان‌گریم (نه به صورت صفر و یک) آنگاه می‌توانیم نمودار سیر فراز و فرود مردم‌سالاری را بهتر و دقیق‌تر نشان دهیم. با درجه‌بندی جبر بولی می‌توان محاسبه هر یک از متغیرها به جای صفر و یک، به صورت طیف اعداد بیشتری، مثلاً از صفر تا ده یا به صورت درصدی نشان داد. در این راستا، تحقیق حاضر متغیرهای سه‌گانه فوق را به صورت درصدی در نظر گرفته است. محاسبه متغیر مشارکت سیاسی (A) در هر دوره به وسیله جمع میانگین انتخاباتی که در آن دوره انجام گرفته تقسیم بر تعداد انتخابات انجام گرفته در آن دوره صورت پذیرفته است. محاسبه متغیر رقابت سیاسی (B) در هر دوره بر اساس میانگین نسبت‌های تعدد گروه‌های سیاسی شرکت‌کننده در دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی تقسیم بر بیشترین تعدد گروه سیاسی (که همان عدد یازده می‌باشد) صورت گرفته است و محاسبه نظارت سیاسی در هر دوره بر اساس جمع میانگین رد صلاحیت‌های کاندیداهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به اضافه درصد رشد مطبوعات در هر دوره به اضافه درصد توقیف مطبوعات و نشریات (یعنی تعداد توقیف نشریات و روزنامه‌ها در هر دوره تقسیم بر بیشترین میزان توقیف نشریات و روزنامه‌ها که در دوره سوم بوده است: ۴۲ عدد توقیف) تقسیم بر عدد ۳ (بخاطر سه شاخص فوق یعنی: رد صلاحیت‌ها، رشد مطبوعات و توقیف نشریات و روزنامه‌ها) صورت گرفته است. حال پس از بدست آمدن میزان متغیرهای سه‌گانه فوق (یعنی مشارکت (A)، رقابت (B) و نظارت سیاسی (C)) در هر دوره، آنگاه با جبر بولی (یعنی $F=AC+B$) میزان توسعه مردم‌سالاری در هر دوره به دست می‌آید. در این راستا، با محاسباتی که نگارنده نوشتار انجام داده است سیر فراز و فرود مردم‌سالاری به شکل ذیل به دست آمده است:



بر اساس نمودار سینوسی فوق به استثنای دوره اول که میزان توسعه مردم‌سالاری دارای بیشینه بوده، سیر توسعه مردم‌سالاری از مقاطع زمانی دوم تا چهارم به لحاظ آهنگ حرکت، سینوسی رو به بالا بوده نه پایین و مستقیم. در حالی که در دوره‌های دوم و چهارم مردم‌سالاری کمتری نسبت به دوره سوم وجود داشته، دوره چهارم نسبت به دوره دوم نسبت مردم‌سالاری از شاخص‌های بهتر و کارآمدتری بر اساس شاخص‌های سه‌گانه بیان شده برخوردار بوده است؛ بالأخص آنکه مشارکت سیاسی در دوره چهارم نسبت به دوره دوم بیشتر بوده به گونه‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ نه تنها نسبت بیشتری از مشارکت سیاسی نسبت به دوره دوم وجود داشته بلکه بیشترین مشارکت سیاسی بعد از انقلاب را تاکنون به خود اختصاص داده است. شاخص‌های رقابت سیاسی و نظارت سیاسی نیز به ترتیب بیشتر و

کمتر - بر مبنای جداول و نمودارهای این نوشتار - نسبت به دوره دوم بوده است. لذا می‌توان این‌گونه استنتاج نمود که سیر حرکت مردم‌سالاری بعد از انقلاب حالت صعودی و روبه‌پیشرفت را نشان می‌دهد، اما به صورت سینوسی یا فرازوفرود.

به‌طور خلاصه‌تر، به جز دوره اول که حدوداً سه الی چهار سال به طول انجامیده و بیشترین توسعه فضای مردم‌سالاری پس از انقلاب وجود داشته، در دوره‌های بعد - یعنی از اوایل دهه شصت تا کنون (سی و چندی سال) - شیب سینوسی روند مردم‌سالاری رو به بالا بوده است؛ با این توضیح که دوره چهارم نسبت به دوره دوم شاخص‌های مردم‌سالاری از نسبیّت بیشتری برخوردار بوده است. لذا می‌توان گفت پس از انقلاب اسلامی شیب فرازوفرود مردم‌سالاری تقریباً رو به بهبود بوده است اما با فرازوفرود نسبی و عینی.



منابع

الف - فارسی

- اسلامی، علی، (۱۳۵۶)، *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران*، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت سیاسی*، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، *درس‌هایی از دموکراسی برای همه*، تهران: انتشارات معاصر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- بلیکی، نورمن، (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- توحید فام، محمد، (۱۳۸۱)، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن*، تهران: روزنه.
- جلالی پور، حمیدرضا، (۱۳۸۷)، «تبیین از دریچه نتایج انقلاب: چرا جامعه ایران همچنان آستان مردم‌سالاری است؟» *دوماهنامه آیین*، شماره‌های ۱۹ و ۲۰.
- خان‌محمدی، یوسف، (۱۳۹۲)، *فرهنگ سیاسی و رفتار انتخاباتی*، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- خواجه‌سروی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دارابی، علی، (۱۳۹۱)، *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، چاپ یازدهم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دال، رابرت، (۱۳۸۹)، *درباره دموکراسی*، ترجمه حسن فشارکی، چاپ اول، تهران: پردیس دانش، شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
- ربیعی، علی، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۷)، *توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)*، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساعی، علی، (۱۳۹۰)، «منطق تحلیل تطبیقی تاریخی با رویکرد تحلیلی بولی»، *فصلنامه*

علوم اجتماعی، شماره ۵۴.

- کدی، نیکی، (۱۳۸۳)، *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.

- لپیست، سیمور مارتین و همکاران، (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و همکاران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- مجیدی، محمدرضا و حدیث اقبال، (۱۳۹۳)، «الگوی نظام‌سازی ایران پس از انقلاب اسلامی: ارزیابی مردم‌سالاری دینی ایران»، *فصلنامه انجمن انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۸.

- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، *دفتر جمعیت، نیروهای کار و سرشماری*.

- مرکز آمار ایران (سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱)، *سالنامه آماری مرکز آمار ایران*، تهران: مرکز آمار ایران.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۷۹)، *بررسی آماری نتایج انتخابات مجلس ششم در تهران*، بازبینی شده در ۱۲ تیر ۱۳۹۴ (<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/734683>).

- موثقی، سید احمد، (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، بهار شماره ۷۱.

- هزارجریبی، جعفر و احمدعلی کیشی پورریک، (۱۳۹۱)، «بررسی تحول گفتمان‌های دموکراسی خواهی پس از انقلاب اسلامی در ایران»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره هفتم، شماره ۲.

ب- انگلیسی

- Dahl, Robert, (1965), *Who Governs? Democracy and Power in American City*, New Haven.

منابع اینترنتی

- <http://www.khabaronline.ir/detail/444340/Politics/election>

- سایت اینترنتی وزارت کشور (www.moi.ir).
- پایگاه تخصصی و غیردولتی انتخابات ایران (<http://www.entiran.ir>).
- <http://www.goftogoonews.com/Pages/News/>
- <http://www.fa.m.wikipedia.org/wiki/>
- <http://www.bartarinha.ir/fa/news/>
- <http://emam.com/posts/view/2243>

